

بررسی آراء شیخ طوسی در آئینه‌ی آثارش

عاطفه کلی* ۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰ | پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰ | ایمیل نویسنده مسئول: Atefeh.koli@gmail.com

چکیده

شیخ طوسی یکی از بزرگ‌ترین علمای شیعی است که بسیاری از علمای تشیع و تسنن در محضر او علم آموخته‌اند. این پژوهش با بررسی آثار فقهی شیخ به تبیین نقش وی در تأسیس و تدوین نظام حقوقی اسلامی می‌پردازد که نظام حقوقی که فقه یکی از پایه‌های آن است؛ و از آنجایی که بنیان‌گذار حوزه نجف شیخ طوسی است و همان‌گونه که بر همگان آشکار است در میان حوزه‌های علمیه شیعه، حوزه علمیه نجف اشرف از جایگاه ویژه و والایی برخوردار است، در نتیجه پیش از پرداختن به آثار فقهی شیخ به معرفی این حوزه می‌پردازیم- حوزه‌ای که در عرصه‌های سیاسی و علمی چه در گذشته و چه در دوره معاصر تأثیرگذار بوده است و بسیاری از دانش‌آموختگان آن در زنده نگاه داشتن و تعیین حدود نظام حقوق اسلامی به ایفای نقش پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکرد تحلیلی-توصیفی و استفاده از روش کتابخانه‌ای که تکیه‌گاه اصلی آن آثار خود شیخ است به این ارزیابی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: شیخ طوسی، حوزه علمیه، نظام حقوقی، فقه

دوفصلنامه علمی پژواک جامعه

در
مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ ایران

شاپا (الکترونیکی): ۱۲۹۴-۲۸۲۱
<http://pjj.iranmehr.ac.ir>
دوره ۳ | شماره ۱ | صص ۲۹۰-۲۶۶
بهار و تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(کلی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

کلی، عاطفه. (۱۴۰۱). بررسی آراء شیخ طوسی در آئینه‌ی آثارش. پژواک جامعه در مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ ایران، ۳(۱): ۲۹۰-۲۶۶.

مقدمه و بیان مسئله

نظام حقوقی اسلام نتیجه اقدامات پیش‌آهنگانی است که با ابتکار و آینده‌نگری این نظام را تأسیس نموده‌اند و در ادامه افراد دیگر در تکوین این نظام، یاریگر آنان بوده‌اند. بر اساس آموزه‌های شیعی اقدامات این دو گروه را می‌توان در دو مرحله تشریح و تفریع پی گرفت: در دوره تشریح که پیامبر و امامان دوازده‌گانه به واسطه دسترسی به منبع حکم، یعنی خداوند، پایه‌گذار مبانی و اصول تشریح دین شناخته می‌شوند. در دوره دوم برخی از اندیشمندان شیعی طرح گسترش نظام فقهی را بر عهده گرفتند که این مسیر به دلیل افتتاح باب علم و اجتهاد، استمرار در گسترش مرزهای فقهی و تکوین را تجربه کرده و می‌کند.

آغاز دوره تفریع را می‌توان پس از غیبت صغری دانست، زیرا به دشواری می‌توان مدعی شد که قبل از غیبت کبری تعریف و مصداقی از مفهوم حقوق و نظام حقوقی ارائه شده باشد. این بدان دلیل است که تا این زمان امکان دسترسی به امامان به گونه‌ای وجود داشت و آنان خود تأیید کرده بودند که کارشان وضع اصول و کلیات است و امور مربوط به تفریع را به دیگران واگذاشته‌اند. به این ترتیب نظام حقوقی به صورت یک نظام مستقل هنگامی شکل گرفت که کار اجتهاد به معنی مصطلح حقوقی آن آغاز شد و این تأخیر از آن جهت بود که شیعه به واسطه‌های مستقیم تشریح یعنی «نص» دسترسی داشت و در نتیجه اجازه اجتهاد نداشت.

ضروری است در اینجا یادآوری شود که مجموعه قوانین و احکام، نظام حقوقی را تشکیل نمی‌دهند، بلکه قوانین یا احکام، مواد اولیه در یک نظام حقوقی هستند و کار بست این مواد در تأسیس نظام حقوقی در تسنن و تشیع، متعلق به مجتهدانی است که از طریق اجتهاد این کار را انجام می‌دهند. در واقع نظام حقوقی یک مجموعه منظم و منطقی است که قوانین و احکام به عنوان داده‌های اولیه با روش‌های متقن و صحیحی چون جرح و تعدیل بررسی می‌شود. این نظام منسجم از استدلال و شواهد بهره می‌برد تا نیازهای جامعه‌اش در احکام حقوقی و قضائی را پاسخگو باشد. موضوع پیش‌گفته باعث می‌شود که بین نظام حقوقی و صرف وضع احکام و جعل قوانین تفاوتی قائل شد. همچنین نظام حقوقی متفاوت از فهم احکام

و قوانین است. هر چند که مابین نظام حقوقی و نظام فقهی رابطه کل و جزء برقرار است، در واقع فقه بخشی از نظام حقوقی اسلام را تشکیل می‌دهد و فقیه ضرورتاً حقوقدان نیست.

در آخر نیز باید توجه داشت که بین اصطلاحات حقوق در اسلام، حقوق و اسلام و حقوق اسلامی فرق است و نظام حقوق اسلامی نیازمند شناخت و تسلط بر این حوزه‌ها است، این در حالی است که فقه دارای چنین گستردگی نیست. مجتهدین نیز همواره به تفاوت بین فقه و نظام حقوقی اسلام توجه داشته‌اند. به عنوان نمونه توجه آن‌ها به فرق بین فقه و فقیه از یک سو و بین تفقه و متفقه از سویی دیگر، برای روشن کردن فرق بین فقه و نظام حقوقی اسلام بوده است.

در مسیر تکوین نظام حقوقی اسلام افرادی بسیاری مشارکت داشته‌اند که محمد بن حسن طوسی ملقب به شیخ طوسی از افراد مؤثر بر این جریان است. جامعیت وی در بسیاری از معارف مربوط به نظام حقوق اسلامی - که در زمینه‌های مختلف خارج از محدوده فقه اصطلاحی ولی ضروری در نظام حقوق اسلامی بود - مؤید این مطلب است. علوم معارفی چون علم الرجال، حقوق تطبیقی، فلسفه تشریح، تاریخ حقوق، رابطه حقوق با فلسفه، کلام، جامعه‌شناسی، اخلاق، فلسفه اخلاق، تفسیر، سیاست و دیگر علوم دینی. شیخ طوسی با رجوع مداوم به عقل، اجماع و عرف نظریت نویی را مطرح می‌کند و با این کار گامی بزرگ در راه تکوین نظام حقوقی شیعه برداشته است. هدف از این پژوهش پرداختن به جایگاه شیخ طوسی و بررسی آثار او در روند تکوین نظام حقوقی اسلامی است تا روشن شود که چگونه نسل‌های پس از او تا مدت‌های مدیدی نتوانستند از آموزه‌های او فراتر روند.

زندگی شیخ طوسی

ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی از جمله دانشمندان بزرگ اسلام بوده است که همه زندگی خود را در راه خدمت به دین و مذهب صرف نموده است و مقامی شایسته در جهان اسلام به ویژه مذهب تشیع احراز نموده است. وی شیوهی اجتهاد مطلق در فقه و اصول را رایج کرد و استنباط را بر پایه‌ی فقه جعفری، به کمال

رساند و به شیخ طوسی، مؤسس طریقه‌ی اجتهاد مطلق و در علوم نقلی به شیخ مطلق، شیخ الطائفه و شیخ امامیه معروف شد (گرجی، ۱۳۸۷: ۲۷)

شیخ طوسی در رمضان سال ۳۸۳ ه ق متولد شد. از محل دقیق تولد ایشان خبری در دست نیست اما از آنجایی که خود در کتاب الفهرست و سایر آثارشان اشاره کرده‌اند و همچنین نجاشی در کتاب الرجال آورده، ایشان را طوسی می‌نامیدند و می‌توان مدعی شد شیخ در طوس متولد شده است. وی بعد از تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود در سال ۴۰۸ ه در بیست و سه سالگی به بغداد عزیمت نمود و تا سال ۴۴۸ ه ق در حوزه بغداد مشغول به فعالیت بود (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۲۴) و (عاملی، ۱۳۶۲، ج ۹: ۱۵) در این زمان ریاست مذهب جعفری با محمد بن محمد عکبری بغدادی «شیخ مفید» بود (نجاشی، بی‌تا، ۳۸۹) که شیخ طوسی تا پایان زندگی شیخ مفید (۴۰۸-۴۱۹) ملازم او بود و از محضر او بهره‌ها برد (عاملی، ۱۳۶۲، ج ۹: ۱۵۹) وی در همین زمان از محضر مشایخ دیگر چون حسین بن عبیدالله احمد بن موسی معروف به ابی صلت اهوازی نیز کسب علم کرد و توانست در همان دوره جوانی به درجه اجتهاد برسد و کتاب «تهذیب الاحکام» را بنویسد (قمی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۳۵۷)

بعد از وفات شیخ مفید در سال ۴۱۳ ه ق شیخ الطائفه به جلسات «سید مرتضی علم الهدی» راه یافت و از حوزه درسی علم الهدی در علم کلام، فقه و اصول استفاده کرد. وقتی سید مرتضی در شیخ لیاقت و استعداد کامل را دید وی را مورد توجه و عنایت قرار داد و او را به تدریس واداشت و مقرری قابل توجهی را برای او تعیین نمود و این به مدت بیست و سه سال به طول انجامید تا این که سید در سال ۴۳۶ ه ق در سن ۸۱ سالگی درگذشت (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۹: ۵۲۶) در این دوران شیخ کتاب الشافی سید مرتضی را تلخیص نمود و دو کتاب الخلاف و المبسوط را به روش سید مرتضی به رشته تحریر درآورد (بحرالعلوم، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۲۸) بعد از رحلت سید مرتضی، ریاست مذهب شیعه به شیخ طوسی رسید (سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۷۷)

در آغاز این دوران منزل شیخ در ناحیه کرخ بغداد بود و شیعیان عراق، ایران و شام زعامت شیخ را پذیرفتند و علما مسائل خود را در حضور او مطرح کرده و پاسخ می‌گرفتند. این دوران ۲۵ سال به طول انجامید و عالمانی از سایر مذاهب اسلامی از کلاس‌های شیخ بهره‌ها بردند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۶۳ و ۳۹۷) و آوازه علم شیخ از مرز عراق گذشت و به سایر مناطق اسلامی رسید. در این زمان به دلیل ضعف و سستی که عباسیان در خلافت از خود نشان داده بودند، خاندان ایرانی آل‌بویه توانسته بودند در بغداد قدرت را به دست گیرند، حکومتی که از قضا گرای‌های شیعی داشت و در ترویج تشیع و همچنین برگزاری مناسک و شعائر مذهبی شیعیان چون عید غدیر و عزاداری عاشورا نقش مهمی را ایفا کردند. با حمایت‌های آل‌بویه از شیخ طوسی، خلیفه القائم بامرالله عباسی با تدریس کلام توسط شیخ در مرکز خلافت موافقت نمود (قمی، ۱۳۶۹: ۳۲۴) و (طوسی، ۱۴۰۹: ۱۲)

از دیگر ویژگی‌های این دوره تلاش علمای شیعی در جهت حفظ مرزهای عقیدتی شیعه و اصالت بخشیدن به فرهنگ تشیع در مقابل فرهنگ تسنن بود که در این راستا کتاب‌های ارزنده‌ای چون «المبسوط فی الفقه امامیه» توسط شیخ طوسی نوشته شد (حنبل، ۱۳۹۹: ۴۹) و این روند تا سال ۴۴۷ هـ ق ادامه داشت تا اینکه ترکان سلجوقی از ضعف آل‌بویه استفاده کرده و به بغداد حمله و حکومت آل‌بویه را از بین بردند و بار دیگر شرایط برای شیعیان سخت شد. منزل شیخ طوسی در میان رقابت‌ها و جنگ‌های مذهبی آن دوران غارت شد و شیخ مجبور شد به نجف نقل مکان کند. به گفته ابن جوزی سوختن منزل و کتابخانه شیخ در سال ۴۴۹ هـ ق در ماه صفر رخ داد و بسیاری از کتاب‌های سودمند شیخ سوزانده شد (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۶: ۱۶)

اما عزیمت شیخ به نجف از حوادث مهم در تاریخ شیعیان است که باعث شد نجف به عنوان مرکز فقه عالم تشیع تا عصر مغولان مطرح شود. شیخ طوسی در سال ۴۴۸ هـ ق به نجف هجرت و شروع به تدریس نمودند، هر چند که تدریس علوم اسلامی در نجف از قرن سوم آغاز شده بود. شیخ تدریس را در نجف به شیوهی اجتهادی آغاز کرد و توانست که نجف را به مرکز علمی شیعیان تبدیل کند (ابن

جوزی، ۱۴۱۲: ج ۱۶، ۱۰۵) چرا که به دنبال شیخ عده‌ای از شاگردان او به نجف روی آوردند و به مرور دیگر شیعیان به آن مکان کوچ کردند و به همین دلیل شایسته‌است اگر شیخ طوسی را موسس اولین حوزه علمی تشیع دانست. شیخ بعد از دوازده سال زندگی و تدریس و تألیف در نجف در سن ۷۵ سالگی در شب دوشنبه ۲۲ محرم سال ۴۶۰ ه.ق زندگی را بدرود گفت و طبق وصیتشان در منزلشان دفن شدند که بعدها به مسجد تبدیل گردید که اکنون یکی از معروفترین مساجد نجف است (قمی، ۱۳۶۳: ۱۲)

اندیشه و مکتب شیخ طوسی

فقه شیعه تاریخ پر فراز و فرودی را پشت سر نهاده است. در حوزه‌های شیعه از آغاز تا غیبت صغری، اکثراً به استماع حدیث اکتفا کرده و معمولاً فقه اجتهادی و استدلالی کمتر مشاهده می‌گردد، اما بعد از غیبت ما شاهد تحولاتی هستیم که شروع این جهش در عصر شیخ مفید، سید مرتضی و به ویژه شیخ طوسی است. طریقه شیخ مفید مبتنی بر رد حدیث‌گرایی، کنار گذاشتن روش فقهی رأی و قیاس بود و برای عقل جایگاه ویژه‌ای قائل بود. روش سید مرتضی هم پیروی از عقل بود و در استنباط احکام از ادله لفظیه و عقلیه استفاده می‌کرد (عاملی، ۱۳۶۲: ۴۴) شیخ طوسی با حفظ شکل تعقلی و تحلیلی اساس جدیدی برای فقه شیعه پایه‌گذاری کرد که با شیوه‌های قبلی تفاوتی کلی داشت.

وی در تألیفات فقهی و فتاوای خود از مکتب شیخ مفید و سید مرتضی تبعیت کرد و به جای رویارویی با اهل حدیث و اندیشه‌های آنان، به گزینش عناصری از این اندیشه پرداخت. مکتب اجتهادی شیخ ترکیب و تلاقی عناصر دو مکتب محدثان و متکلمان بود (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۴۹) وی با تألیف کتاب‌هایی چون تهذیب، استبصار، مبسوط، نهاییه و خلاف، صفحه زرینی در تاریخ فقه جعفری گشود. وی باب فقه تفریعی عاری از هر گونه اعمال رأی و قیاس را از راه کشف صور اشکال و لوازم گوناگون یک مسأله با تدوین کتاب گران سنگ «المبسوط» گشود و تلاش کرد فقه تطبیقی را که به وسیله شیخ مفید و شیخ مرتضی پایه ریزی شده بود را به صورت یک مجموعه مدون در کتاب «الخلاف» گردآورد. وی شالوده این کتاب

را از مکتب سنی گرفت و در چارچوب فقه شیعی بسط و توسعه داد (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳) به گونه ای که محدث نوری درباره این بعد علمی شیخ می گوید: «او نابغه و احیاگر علم فقه بود، طوری که تمام دانشمندان و فقیهان امامیه بعد از او در دامن آثار و کتب او به اجتهاد و فقاقت نائل آمدند و بیشترین استفاده را در احراز این مقام بلند علمی از تألیفات گران سنگ او بردند.» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۳، ۵۰۶) شیخ معتقد است که مردم مسائل فقهی را تنها در ضمن روایات می پذیرند و در مقدمه کتاب المبسوط می گوید: «خیلی مایل بودم برای مردم کتابی مشتمل بر همه ی مسائل فقهی و احکام دین تنظیم کنم ولی هیچ میل و رغبتی در میان آنها نسبت به این امر احساس نکردم زیرا نظر ایشان این بود که احکام و مسائل فقه را باید تنها از راه نقل عبارات و الفاظ صریح و گویای اخبار به دست بیاورند و در این اندیشه به قدری زیاده روی کرده بودند که اگر بدون تغییر در معنی و مفهوم روایت، لفظی از آن دگرگون می شد در شگفتی فرومی رفتند و از این رو رغبت به چنین کاری پیدا نکردم.» (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۲)

شیخ طوسی، پس از نگارش آثاری مانند؛ النهایه، تهذیب و الاستبصار، حدوداً در مرحله پایانی زندگی، فقه استدلالی، تفریعی و اجتهادی را ارائه می کند. فقه اجتهادی او نه تنها مورد بی مهری قرار نمی گیرد، بلکه فقیهان، حدود یک قرن پس از وی، بر پایه آرای او فتوا می دهند. لازم به ذکر است که شیخ طوسی علاوه بر شیوه اجتهادی، از فروع فقهی اهل سنت، بهره برده و به آرای آنان نظر داشته است. غرض شیخ، از افزودن فروع فقهی اهل سنت در فقه شیعی، نشان دادن برتری منابع اجتهادی شیعه و توان اجتهاد در آن است، چنان که در مقدمه کتاب مبسوط اشاره می کند: «از گذشته، مخالفان ما از فقها، آنان که منتسب به علم فروع هستند، فقه امامیه را تحقیر می کنند و آن را به اندک بودن فروع و مسائل نسبت می دهند و می گویند: فقهای امامیه، اهل پرهیز و انکار هستند و کسی که قیاس و اجتهاد را انکار کند، شیوه ای در تکثیر مسائل و تفریع اصول ندارد، زیرا عمده مسائل از دو طریق یاد شده به دست می آید. این امر، از عدم اطلاع ایشان از مذاهب امامیه و کمی تأمل در اصول ما نشأت می گیرد. اگر ایشان به دقت به اخبار و فقه ما نظر

می‌افکندند، در می‌یافتند که عمده مسائلی که از آن یاد کرده‌اند، در اخبار ما موجود است و درباره آنها، نصی از ائمه (علیهم‌السلام) به انحاء گوناگون (تلویحی، تصریحی، خصوصی و عمومی) در دست داریم. آنها بیاناتشان همچون اقوال پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) حجت است؛ اما تفریعات فقهی بسیاری که ایشان در آثار خویش آورده‌اند، همگی در اصول ما قرار دارد و در مذاهب ما راه حلی دارد. البته در طریقه امامیه فروع از طریق قیاس حاصل نمی‌گردد، بلکه بر اساس شیوه‌ای که افاده علم می‌کند و علم بدان واجب است، به دست می‌آید، که از آن جمله: «بناء بر اصل» و «برائت ذمه» است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۱ و ۲)

کوشش شیخ طوسی، در راستای فرع‌سازی و گسترش مسائل فقهی، افق جدیدی در فقه گشود و پایه‌های پیشرفت آن را فراهم نمود؛ چنان‌که او در آثار فقهی خود، به ویژه کتاب مبسوط، تلاش نمود تا مباحث فقهی را از قلمرو محدود پیشین بیرون آورد تا فقیه به امر تفریع و تطبیق قواعد عام بپردازد و احکام پدیده‌ها و فرض‌های گوناگون را به برکت داده‌های مستقیم نصوص، بررسی نماید. البته این تحول فقهی، در دستاوردهای علمی شیخ مفید، سید مرتضی، ابن ابی‌عقیل و ابن جنید ریشه داشت (در واقع مکتب فقهی شیخ بر بنای مکتب فقهی اساتیدش استوار شده است). نتیجه اینکه شیخ طوسی نیز مانند اساتیدش موضعی انتقادی در مواجهه با نص‌گرایان عصر خود دارد. آنچنان‌که وی اندیشه‌های شیخ صدوق -یکی از نص‌گرایان برجسته جهان تشیع- را که قائل بود که طریق متکلمان و احتجاجات ایشان مورد رضایت معصومان (علیهم‌السلام) نیست و تنها احتجاجی معتبر است که مفاد سخن معصوم باشد را مردود می‌داند و بیان می‌دارد که هر کس به حرام بودن استدلال و روش متکلمان حکم کند، با نص قرآن مخالفت کرده است. او ذیل آیه شریفه «اینها دلایل ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم درجات هر کس را بخواهیم (و شایسته بدانیم)، بالا می‌بریم. بی‌گمان پروردگار تو، حکیم و دانا است» (انعام، ۸۳) احتجاج با کفار و دشمنان را مورد تصویب و تأیید و تشویق کتاب الهی می‌داند (طوسی، ۱۴۰۹: ج ۴، ۱۹۱ و ۱۹۲) وی همچنین ذیل آیه شریفه «و هنگامی که به آنها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید! می‌گویند:

نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم. آیا هر چند پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می‌کنند؟)» (بقره، ۱۷۰) اظهار می‌دارد توییخی که خداوند در این آیه در ارتباط با پیروی و تقلید از گذشتگان متوجه ایشان کرده، نشان از فساد و بطلان تقلید است و همچنین نشان از بطلان گمان اصحاب معارف در باب ضروری بودن دانش و اعتقادات و تنها راه گریز از این دو فساد، عقل و نظر ورزی است (طوسی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۷۷) شیخ بر آن است که آن معارف ضروری نیست و اکتسابی است و تنها راه تحصیل آن نظر است و نهایت نظر تفکر عقلانی است. وی برای اثبات این دیدگاه خود به دعوت انبیا و احتجاج ایشان با مشرکان و کافران اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که اگر چنانکه اصحاب معارف معتقدند، معارف ضروری بود این کارها همگی بیهوده و بلا وجه بود و ارسال رسل و سخن گفتن ایشان با پیروانشان معنایی نداشت.

شیخ طوسی عقل را مجموعه علوم نظری و عملی می‌داند که به شناسایی واقعیات و انجام واجبات و پرهیز از قبایح منجر می‌شود. هرچند تاکید وی در مواضع متعددی از آثارش بیشتر بر عقل عملی است، اما طبق آنچه از نوشته‌های او به دست می‌آید، وی از عقل نظری و علمی که از آن استفاده می‌شود، غافل نیست. عقل نظری به دنبال کشف حقایق نظری و شناخت واقعیات است؛ از این رو آنچه مربوط به حوزه‌های خدانشناسی و جهان‌شناسی و انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی است توسط آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در عقل عملی نیز آنچه متعلق شناخت است، شایسته و ناشایسته افعال بشری است، از این رو برخی آن را قوه‌ای دانسته‌اند که انسان را به کاری شایسته تحریک می‌کند.

شیخ معتقد است که حجت عقل در مرتبه‌ای برتر و مقدم بر حجت سمعی قرار دارد و تکالیف سمعی مبتنی بر تکالیف عقلی است. ایشان معتقدند فهم صدق دعوت پیامبران (علیهم السلام) جز از طریق اثبات عقلانی برخی امور مورد ادعای شرع ممکن نیست. او به تقدم علم توحید و عدل بر پذیرش صدق پیامبران (علیهم السلام) قائل است و این امور را مبتنی بر حجت عقل می‌داند؛ از این رو طریق عقل را بر طریق شرع مقدم می‌شمارد.

نفوذ وسیع شیخ طوسی و سلطه عملی وی سبب شد که پس از وی برای مدتی نسبتاً طولانی، فقها و مجتهدان، تقریباً به صورت مقلد علمی ایشان درآیند و این امر سبب رکود در جریان پیدایش و «گسترش نظام حقوقی شیعه اسلامی» شد. دوره‌ی زمانی سالهای ۴۶۰ - ۶۰۰ عصر رکود شناخته شده است. در این دوره کتاب‌های شیخ طوسی در معارف مختلف اسلامی مخصوصاً در زمینه نظام حقوق اسلامی، از علم اصول فقه تا فقه، رجال و غیره به صورت متون درسی رسمی در حوزه‌های علمیه درآمدند و این امر سبب شد که علمای این دوره متفقه شناخته شوند، مانند فرزند خود شیخ طوسی، ابوعلی (متوفای ۵۱۵) شارح کتاب النهایه تألیف پدر خود، قطب الدین راوندی (متوفی ۵۷۳) مولف فقه القرآن فی بیان آیات الاحکام، مفسر معروف ابوالفتوح رازی (متوفی ۵۵۰)، عزالدین ابن زهره (متوفی ۵۱۱ - ۵۸۵) مولف غنیه النزوع (کاظمی، ۱۳۱۷: ۴۴۲)

بزرگان بعد از دوره رکود، در دوره تجدید حیات فقه (۶۰۰ - ۱۰۳۰) در پرتو نفوذ غیرمستقیم شیخ طوسی قرارداداشتند. رهائی از محدودیت تقلید از شیخ طوسی خود نیز یک عکس العمل بود و از نفوذ شیخ طوسی الهام می‌گرفت. در این زمینه، محمد ابن ادریس حلی (۵۴۳ - ۵۹۸) گام بزرگی در گسترش «نظام حقوق اسلامی شیعه» برداشت. وی با تألیف کتاب معروف «السرائر» محدودیت تقلید را شکست و رسماً حجیت عقل را در نظام حقوقی شیعه - که قبلاً تا حدی به وسیله شیخ طوسی در المبسوط مورد توجه قرار گرفته بود - رسمیت بخشید. پس از ابن ادریس، جعفر بن حسن معروف به محقق حلی (۶۰۲ - ۶۷۶) مولف کتاب وزین معروف در فقه «شرایع الاسلام» - که به نوبه خود یکی از جامع‌ترین کتب فقهی تا زمان معاصر است - خدمت بزرگی به گسترش این نظام حقوقی نمود. جمال الدین حسن معروف به علامه حلی (۶۴۸ - ۷۳۶) فرزند علی بن مطهر و پدر محمد بن حسن معروف به فخرالمحققین (۶۸۳ - ۷۷۱) مولف کتابهای متعدد، هر یک به نوبه و سهم خود در جهت گسترش نظام حقوقی شیعه خدمات خوبی انجام دادند. این جریان به طور منظم تا زمان معاصر ادامه یافت که بررسی آن خارج از موضوع این مقاله است.

سیاست و آراء فقهی شیخ طوسی

حوزه ی علمیه نجف همواره از مراکز تعیین کننده ی سیاسی بوده و دانش آموختگان آن در امور سیاسی صاحب رأی و تأثیرگذار بوده اند. چنان که شیخ طوسی علاوه بر اینکه در بیشتر رشته های فقهی و حدیثی صاحب رأی بوده در امور سیاسی نیز نظریه پرداز بود. اندیشه سیاسی شیخ با تأثیر پذیری از اوضاع سیاسی و اجتماعی معاصر جهت تکوین حکومت مطلوب، برجسته ساختن عناصر مورد نیاز زمانه و پاسخگویی به انتقادات و سوالات مطرح شده شکل گرفته است (طوسی (الغیبه)، بی تا: ۴ و ۵) در واقع بررسی زندگی سیاسی و اجتماعی شیخ و مواجهه ی وی با حکومت شیعی آل بویه و خلافت سنی بنی عباس در همین راستا انجام پذیرفت. آل بویه به رغم شیعه بودن تمایل چندانی به برقراری روابط با عالمان شیعه نداشتند اما در پرتو فضای باز سیاسی- فکری که برای دانشمندان مذاهب مختلف ایجاد کردند شیخ توانست دیدگاه خود را درباره حکومت، سیاست و وجوه مختلف آن تبیین کرده و با تکیه بر موقعیت سیاسی و مذهبی خویش، مبانی سیاسی شیعه را مورد تأکید قرار دهد که موید این نظر، در تنگنا قرار گرفتن شیخ هنگام زوال آل بویه و استقرار حکومت سلاجقه است که شیخ مجبور شد به نجف مهاجرت کند. شیخ از زاویه ی فقه و کلام شیعه به مسائل سیاسی و اجتماعی نگاه می کرد. وی با توجه به مسائل و بحران های کلامی و تنازعات عقیدتی خاص که منشا چالش های سیاسی میان سنیان و شیعیان از یک طرف و همچنین میان عقل گرایان و نقل مداران از طرف دیگر بود، در صدد حل و فصل آن از منظر شیعی برآمد. به همین دلیل شیخ بیشترین تلاش فکری خود را در جهت تبیین جایگاه امامت، ویژگی ها و اختیارات امام در مقابل مردم و حقوق متقابل آنها قرار داد. شیخ ضرورت حکومت، نظام سیاسی و وجود رهبر در رأس این نظام را بحثی عقلی می دانست (طوسی، ۱۴۰۰: ۱۸۵-۱۵۳) که این نشان دهنده ی آن است که شیخ فقط به جامعه ی اسلامی توجه نداشت، بلکه در صدد متقاعد نمودن جامعه غیر مسلمان نیز بود.

وی از منظر معضلات اجتماعی و سیاسی معاصر خود به مباحث سیاست، حکومت، رهبری جامعه و ویژگی های حاکم جامعه ی اسلامی در کتاب های کلامی خویش با

نامهای تلخیص الشافی، الرسائل و تمهید الاصول به صورت استدلالی پرداخت. از طرفی در کتابهای فقهی چون المبسوط فی الفقه، الخلاف و العده فی الاصول الفقه به مباحثی چون وظائف و اختیارات رهبر و زعیم سیاسی در حکومت اسلامی، تبیین دامنه اعمال ولایت در سایر کارگزاران سیاسی، انواع حکومت، کیفیت برخورد با حکومت حاکمان غیر مشروع و... پرداخت.

از آنجایی که تأسیس و شروع کار حوزه علمیه نجف در روزهای آغازین استبداد و تعصب سلاجقه بود، باید به درایت شیخ طوسی در حفظ میراث تشیع و تاییدات الهی نسبت به او اعتراف نمود. شیخ طوسی هنگامی به نجف مهاجرت کرد که محدودیت‌های بسیاری بر زندگی شیعیان حاکم شده بود و فضای رعب و وحشت سراسر عراق را فراگرفته بود. شیخ در چنین وضعی مدرسه علمی را بنا نهاد که تاکنون اصالت علمی خود را حفظ کرده و دیگر مراکز علمی اسلامی را تغذیه می‌کند. با روی کار آمدن سلاجقه و به کارگرفتن وزرا و امرای سنی در دستگاه خلافت از نفوذ علمای شیعه کاسته شد و آنها به شدت منزوی و تحت تعقیب قرار گرفتند که این عامل مهمی در رکود علمی و فکری شیعه بود. این دوره را باید بازگشت شیعیان به شرایط تقیه نامید، در این زمان شیعیان از اصرار به برخی مسائل که اهل سنت نسبت به آنها حساسیت داشتند دوری گزیدند و تن به نوعی همزیستی مسالمت آمیز دادند. اندیشه های شیخ برای شاگردان وی تا نسلها به عنوان اندیشه های اصیل شناخته شد. در میان عالمان ایرانی نیز این نکته مشاهده می‌شد به عنوان نمونه در زمانی که عبدالجلیل قزوینی درگیر بحث با مخالفان شیعه می‌شود استناد وی شیخ طوسی است، از طرفی هنگام نقد مکتب اخباری که مقصودش جریان حدیث‌گرایی افراطی است در اشاره به از بین رفتن آن جریان می‌نویسد: «اگر جایی باشد این معنا «حدیث‌گرایی» پنهان اصول کند که علم‌الهدی و شیخ ابوجعفر طوسی و علمای ما بر متأخران ایشان انکار کرده‌اند و ایشان را قمع و قهر کرده‌اند و تظاهر نیارند کرده‌اند» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۳۷) که این علمای متاخر همان شاگردان شیخ طوسی هستند و عبدالجلیل با نسل ایرانی آنها آشنایی داشته و اندیشه های شیخ را پذیرفته بود.

از دیگر مسائل مهم برای شیخ موضوع غیبت امام عصر و وظایف فقها در این عصر است. شیخ طوسی در موارد مختلف پس از آنکه به اختیارات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در عصر حضور می پردازد به عصر غیبت پرداخته و اینکه وضع مکلفان در عصر غیبت چگونه است و چه کسی این حق را دارد که در این عصر در امور افراد و جامعه دخل و تصرف نماید. وی این حق را از آن فقها دانسته و در موارد گوناگون به این مسئله اشاره می کند. یکی از مواردی که فقیهان در عصر غیبت متولی آن هستند ولایت بر قضا است. شیخ این منصب را تنها در انحصار سلطان حق و عدل یعنی امام می داند و جز امام یا افرادی که از جانب ایشان اجازه ی قضاوت و دادرسی دارند سایرین مجاز به اقدام در این منصب نخواهند بود: «اما حکم کردن در بین مردم و داوری بین اختلاف کنندگان تنها برای کسانی جایز است که از جانب سلطان حق دارای اذن باشند و ایشان (سلاطین حق) در مواردی که خودشان امکان تولیت این امور را ندارند، به فقیهان شیعه اجازه ی تصدی آن را داده اند. پس هر یک از فقها این امکان را داشته باشد که به اجرای حکمی بپردازد یا اصلاحی در بین مردم ایجاد نماید و یا نزاعی را فیصله دهد باید به این امر اقدام کند که مستوجب پاداش و ثواب نیز خواهد بود؛ البته مادامی که بر خودش و بر مؤمن دیگری، خوفی از اضرار دشمنان نداشته باشد که در صورت خوف، بر او جایز نیست متعرض هیچ یک از این افعال گردد» (طوسی (الغیبه)، بی تا: ۳۰۱ و ۳۰۲) فقیه شیعه که از صدور حکم و داوری بین مردم متمکن باشد؛ یعنی مادامی که ضرری متوجه او یا مؤمن دیگری نیست باید متصدی ولایت مزبور گردد و به فصل خصومت بپردازد. وی مانند بسیاری از فقهای شیعه معتقد است امامان شیعه در عصر غیبت، این منصب را به فقیهان شیعه تفویض نموده اند: «و قد فوضوا ذلک الی فقهاء شیعتهم فی حال لا یتمکنون فیه من تولیه بنفوسهم» (طوسی (الغیبه)، بی تا: ۳۱۰)

البته شیخ در مقامی دیگر معتقد است که منصب قضاوت تنها صدور حکم و افشای آن نیست و قاضی تنها خصومت و نزاع را رفع نمی کند، بلکه تدبیر و مدیریت جامعه و افراد آن نیز بر عهده ی اوست و تولیت همه ی این امور، از آن فقیهان شیعه خواهد

بود (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۸، ۸۹) به نظر شیخ طوسی، وظیفه‌ی تبلیغ و تبیین احکام و حفاظت از دین و شریعت یکی از ولایت‌هایی است که بعد از پیامبر (ص) و ائمه (ع) بر عهده‌ی فقهای جامع‌الشرایط قرار داده شده است. پیامبر اسلام با هدف تبیین احکام الهی و تبلیغ آنها و حفاظت از کیان دین و شریعت، اقدام به تشکیل حکومت اسلامی نمود و بعد از پیامبر (ص) این وظیفه بر عهده‌ی امام معصوم - که جانشین پیامبر شده و سخن وی مانند سخن پیامبر حجیت دارد - قرار گرفته است. در روزگار غیبت نیز، این امر بدون متولی نیست بلکه فقهای جامع‌الشرایط به عنوان نمایان عام امام (ع)، ایفاگر نقش او خواهند بود. وظیفه‌ی تبلیغ و تبیین احکام در عصر غیبت بر عهده‌ی کسانی است که متصدی تبیین حکم حوادث پیش آمده هستند و آنان نیز طبق روایاتی که از خود ائمه رسیده است جز شیعه نیستند. البته مراد، شیعه عوام نیست بلکه گفتار شیعیانی در عصر غیبت حجت است که ویژگی‌های خاصی را دارا باشند. شیخ بیان می‌دارد، زمانی که گفتار امام معصوم قابل تشخیص نباشد واجب است گفتار عالمانی که به اصول و فروع دین آگاهند رجوع گردد نه مردم عوام و مقلدین (طوسی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۶۳۳) وی در این زمینه به تقسیم فقها و اهل حدیث پرداخته و می‌گوید: «فقها و اصحاب حدیث بر دو قسم‌اند: گروهی که عدم آشنایی آنها با اصول و بسیاری از فروع معلوم و روشن است که قول این گروه قطعاً باید کنار گذاشته شود؛ چون قطعاً امام در بین این گروه نیست؛ اما گروه دیگری نیز هستند که وضعیت‌شان روشن نیست، بلکه ممکن است کسانی که تظاهر به حدیث و فقه می‌کنند آشنا به اصول باشند؛ بنابراین در صورت شک در اعتبار گفتارشان واجب است به آن اعتنا شود؛ چرا که ممکن است امام نیز در بین آنها باشد» (طوسی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۶۳۳)

شیخ الطایفه در بحث پذیرش ولایت از جانب سلاطین جور معتقد است: اگر علم و یا ظن غالب داشت که در صورت قبول ولایت از جانب پادشاه جور می‌تواند به اهداف عالی‌ه ای چون اقامه‌ی حدود الهی، امر به معروف و نهی از منکر، تقسیم خمس و صدقه در بین مستحقین آن و نیکی به برادر دینی‌اش دست یابد و در همه‌ی اینها واجبی را ترک نکند و حرامی نیز مرتکب نشود، نیکو خواهد بود که آن را

تولیت نماید (طوسی (النهاییه)، بی تا: ۳۵۵) و حتی می‌تواند در اقامه‌ی حدود و انفاذ احکام، مطابق اجتهاد خویش عمل نماید، اما اگر در اجرای حکم مجبور به تنفیذ آن بر طبق مذهب دیگری گردد، در اینجا می‌تواند تقیه نماید (طوسی (النهاییه)، بی تا: ۳۰۲)

در جمع‌بندی نظرات شیخ، چه در حوزه‌ی کلام و چه در حوزه‌ی فقه، می‌توان گفت که با توجه به شرایط ویژه‌ی عصر شیخ طوسی و در نظر گرفتن شرایط اجتماعی آن روز و اوضاع سختی که حاکم بر شیعه بود، شیخ توانسته است در بسیاری از آثارش به موارد مختلفی از ولایت فقها در عصر غیبت بپردازد و آنان را در اجرای حدود الهی و دخالت در امور جامعه و مصالح مسلمین صاحب حق بداند؛ و در حالی که هدف تمامی اولیای الهی محافظت از کیان اصل دین و تسامح در موارد دیگر بود و شیخ طوسی نیز با توجه به همین اصل، به این اندازه از بیان مطالب بسنده کرده است.

آثار فقهی شیخ

تألیفات شیخ الطائفه در میان کتاب‌های هم دوره خود مقامی بسیار بلند دارد. این آثار از یک طرف بیشتر علوم اصلی و فرعی اسلامی و حل مشکلات کلامی و فلسفی را در بر گرفته‌اند و از طرف دیگر نیازهای علمی دانشمندان اسلامی را با توجه به اختلاف مذاهب و مشاربشان برآورده است. در واقع شیخ در تمامی شاخه‌های علوم اسلامی آثاری بر جای گذاشته‌اند که در اینجا فقط به آثار فقهی شیخ می‌پردازیم. کتاب‌های نهاییه فی مجرد الفقه و الفتوی، مسائل الخلاف و المبسوط فی الفقه پرارزش‌ترین نوشته‌های شیخ طوسی در فقه است؛ و دیگر آثار فقهی شیخ که هیچ کدام یک دوره فقه کامل نیستند. در واقع آنها یا متونی از یک یا چند کتاب فقه است، یا بحث از مسئله‌ای از مسائل آن علم و یا پاسخنامه‌ایی است به پرسش‌هایی که در مسائل فقهی از شیخ شده است.

النهاییه فی مجرد الفقه و الفتوی

کتاب نهاییه شامل اخبار فقهی است که مدت‌های مدیدی در مدارس دینی محور بحث و فحص بوده است و شروح و حاشیه‌های زیادی بر آن نگاشته شده است. این

کتاب تا زمانی که هنوز شرایع الاسلام محقق حلی نگاشته نشده بود به عنوان منبع اصلی در مدارس علمیه شناخته می‌شده است؛ برخی محققان این کتاب به دلیل نام آن و برخی از آرای مطرح شده شیخ در این کتاب، آن را در زمره آخرین تالیفات وی بر شمرده‌اند؛ اما بنا بر تحقیقات انجام شده نوشتن این کتاب پیش از استبصار است. گفته می‌شود که نه‌ایه همان کتاب تهذیب است با این تفاوت که در نه‌ایه، نام امام و سند خبر فقهی حذف شده است و برخی نه‌ایه را گزیده تهذیب نامیده‌اند (طارمی بی تا: ۵۰)

این کتاب از نظر جامعیت نسبت به آثار پیشین خود، کامل‌ترین اثر فقهی فتوایی است. این کتاب هم به عنوان منبع درسی و هم به عنوان رساله عملیه و مآخذ مطالعات فقهی تا یک قرن بعد از شیخ مورد توجه بود. دانشمندان اخباری به این کتاب بیش از مبسوط و خلاف توجه نشان داده‌اند چرا که عبارات آن مطابق با الفاظ احادیث است. بر این کتاب نزدیک به ۱۰ شرح و تعلیقه نگاشته شده است که از آن جمله می‌توان به شرح شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، شرح صهرشتی، شرح قطب الدین راوندی؛ شرح مشکلات نه‌ایه؛ شرح غریب نه‌ایه؛ نه‌ایه نه‌ایه، شرح ما یجوز و مالا یجوز من نه‌ایه؛ نکت نه‌ایه علامه حلی اشاره کرد (صدر، بی تا: ج ۳، ۲۸۲-۲۸۵).

این کتاب مشتمل بر ۲۲ کتاب و ۲۱۴ باب است. شیخ در این کتاب، فتوهای منصوص و اصول مطرح شده از سوی ائمه معصومین (علیهم السلام) را بیان کرده است و سعی نموده تا عین الفاظ و عبارات القاء شده از سوی امام را ثبت و ضبط کند و این روش در آن روزگار در میان محدثان امامیه رایج بوده است. (عباسی، ۱۳۵۴: ج ۳، ۱۴۵) برخی معتقدند شیخ در نه‌ایه، مسلک اخباریان یا اصحاب حدیث را پیموده است و در کتاب المبسوط و دیگر آثار، روش مجتهدان را برگزیده است. از آنجا که شیخ در آن روزگار مقام مرجعیت تقلید را دارا بوده است و مقلدان او به فتوهای شیخ در نه‌ایه اعتماد می‌کردند از این رو، این کتاب در همان عصر به زبان فارسی ترجمه شده است (صدر، بی تا: ج ۳، ۲۸۸)

المبسوط فی الفقه

کتاب المبسوط یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آثار فقهی قدماء و از مشهورترین آثار بجای مانده از شیخ طوسی است که همواره در طول تاریخ فقه مورد توجه و استفاده فقهای عظام واقع شده و در کتب استدلالی، مفصل از آن نقل قول شده و به آن استناد نموده‌اند. مؤلف در خطبه کتاب درباره اهمیت و ارزش کتاب می‌نویسد: هذا الكتاب إذا سهل الله تعالى إتمامه يكون كتاباً لا نظير له في كتب أصحابنا و لا في كتاب المخالفين لأنني إلى الآن ما عرفت لأحد من الفقهاء كتاباً واحداً يشتمل على الأصول و الفروع مستوفياً بمذهبننا (ر.ک المبسوط) مرحوم آیت الله بروجردی درباره این کتاب گفته اند شیخ طوسی، کتاب مبسوط را هزار سال قبل برای امروز فقها نوشته اند (عباسی، ۱۳۵۴: ج ۳، ۱۴۳)

این کتاب بعد از تألیف کتب «نهایه» و «الخلاص» در سالهای پایانی اقامت شیخ در بغداد تألیف شد. شیخ در ابتدای آن مقدمه‌ای در بیان انگیزه تألیف این کتاب نگاشت. این مقدمه به بهترین وجه از تحولی که شیخ در پی ایجاد آن بود خبر می‌دهد و شاید یکی از بهترین اسناد تاریخی است که نشانگر چگونگی دوران پیش از شیخ طوسی است. در آن دوره فروع مورد بررسی قرار نمی‌گرفتند و این شیخ بود که آغازگر این حرکت شد. این کتاب با آنکه نخستین کتاب در نوع خود است، کاملترین کتاب آن نیز است. جامعیت این اثر و احاطه و توانایی علمی شیخ سبب شد که فقه تفریعی در میان امامیه به کمال برسد و در دوره های بعد آثار مهم فقهی از جمله قواعد الاحکام علامه حلی و جواهر الکلام محمد حسن نجفی تألیف شود و آراء و اندیشه فقهی شیخ سیطره‌ای بس عظیم بر فضای فقه بعد از خود ایجاد نماید.

نهایه، اگر چه کتابی است فقهی، ولی در آن شیخ اجتهاد نموده و مسائل را با دید کلامی و اصولی بررسی کرده و فتوا داده است و کتاب حاوی فتاوی اجتهادی شیخ است. این کتاب در فقه استدلالی مشتمل بر جمیع ابواب فقهی که نهایی‌ترین نظریات شیخ طوسی است. مجموعه‌ای گران‌بها از نظریات فقهای زمان وی و ابداعات او است. در خطبه کتاب این گونه آمده است: این کتاب در برگیرنده سی کتاب

فقهی اهل تشیع است که خلاصه آن مباحث گردآوری شده، با این تفاوت که فقط مباحث فقهی را در برداشته و ادعیه و آداب آن ذکر نشده است (ر.ک المبسوط). علاوه بر نظریات علمای اهل تشیع نظریات سایر مذاهب را نیز بدون ذکر اسامی آنان ذکر شده است و در نهایت آنچه اقتضاء مذهب شیعه است بیان شده است. فروعاتی را که واضح بوده‌اند فقط به بیان فتوای آن پرداخته اما فروع مشکلی و یا نامأنوس را با ذکر دلیل بیان نموده‌اند. در صورت ترجیح نظریه‌ای، با ذکر دلیل، قول قوی را انتخاب نموده و در صورت نبودن مرجح توقف نموده و حکم به تخییر کرده‌اند. هدف مؤلف از بیان دلائل و فتاوا، آموزش اجتهاد و دور کردن خوانندگان از تقلید صرف است. وی در خطبه کتاب می‌نویسد: و إن كانت المسألة أو الفروع غریبا أو مشکلا أومی إلى تعلیلها و وجه دلیلها لیكون الناظر فیها غیر مقلد و لا مبحث (ر.ک المبسوط)

در مواردی ارجاعات او به دیگر کتاب‌هایشان می باشد به عنوان نمونه هنگامی که مؤلف ادعیه و آداب عبادات را حذف نموده است به کتاب مصباح المهتجد خود، ارجاع داده است یا به مباحث کتاب النهایة و الخلاف و در مواقعی به کتاب دیات. در طرح فروع فقهی مؤلف به ذکر فروع و در کنار آن اقوال و نظریات فقها با عبارت أصحابنا، أكثر أصحابنا، أكثر أصحابنا المحصلین، پرداخته است اما از ذکر روایات و مباحث استدلالی و نظائر آن کمتر مطلبی دیده می‌شود. از طرف دیگر مؤلف بیشتر به روایات پیامبر استدلال نموده و کمتر به روایات ائمه استناد نموده است. تعابیر اجماع در المبسوط نظیر الانتصار سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) متفاوت بوده و به صور مختلف مثل «إجماع الأمة»، «إجماع الفرقة بل إجماع المسلمین»، «إجماع الفرقة المحققة» بیان شده است (ر.ک المبسوط)

مباحث کتاب موجود در ۸ مجلد تقسیم شده است: جلد اول: کتاب‌های طهارت، صلاة، زکاة، صوم، اعتکاف، حج، ضحایا و عقیقه. جلد دوم: کتاب‌های جهاد، جزایا و احکام آن، قسمت فیء و غنائم، بیوع سلم، رهن، مفلس، حجر، صلح، حواله، ضمان، شرکت، وکالت. جلد سوم: کتاب‌های اقرار، عاریه، غصب، شفقة، قراض و مضاربه، مساقاة، اجارات، مزارعه، احیاء موات، وقوف و صدقات، هبات، لقطه. جلد چهارم:

کتاب‌های وصایا، فرائض و مواریث، ودیعه، نکاح، صداق، قسم، خلع و مبارات. جلد پنجم: کتاب‌های طلاق، رجعت، ایلاء، ظهار، لعان، عدد، رضاع. جلد ششم: کتاب‌های نفقات، عتق، مکاتب، تدبیر، امهات اولاد، نذور، صید و ذبائح، اطعمه، سبق و رمایه. جلد هفتم: کتاب‌های جراح (قصاص)، دیات، قسامه، کفاره، قتل، قتال اهل، مرتد. جلد هشتم: کتاب‌های حدود، قطاع الطريق، اشربه، اهل رده، دفع عن النفس، وصول البهیمه و الفحل، آداب قضاء، شهادت، دعاوی و بینات. در بیان مطالب کتاب، وی ابتدا فهرست مطالب را ذکر نموده و سپس به تفصیل آن می‌پردازد. در بسیاری از موارد مؤلف به ذکر نظریات فقهای عامه می‌پردازد و آنها را بررسی و نقد می‌کند؛ اما مهمترین ویژگیهای کتاب مبسوط از این قرارند: یک تمامی ابواب فقه از باب طهارت تا دیات را در بر دارد. دو اینکه اصول همه ی مسائل و تفریعات را بیان کرده است؛ و در آخر در ترتیب و تنظیم کتاب حسن سلیقه‌ی بسیار اعمال کرده است.

الخلافة فی الاحکام

کتاب خلافت (الخلافة)، اثری جامع و استدلالی - تطبیقی در فقه با گرایش به فقه امامی است. این کتاب از مهم‌ترین آثار موجود در علم خلافت یا خلافتیات به‌شمار می‌رود. خلافت را اثری در فقه مقارن یا تطبیقی شمرده‌اند، اما عده ای با این موضوع مخالفت کرده و بیان داشته‌اند که شیخ طوسی در این کتاب، به دفاع از آرای فقهی امامیان پرداخته است. با این همه، از آن‌رو که الخلافت به ذکر فتاوی همسان از فقهای مذاهب مختلف و نیز ادله مقبول از منظر اهل سنت هم پرداخته، دربردارنده نوعی مقارنه و تطبیق است، همچنان که آثار مثبت فقه مقارن، مانند کاهش عوامل تفرقه‌زا میان مسلمانان و آشنا شدن با دیدگاه‌های دیگران را نیز دربردارد.

از مقدمه شیخ طوسی برمی‌آید که وی کتاب را، قبل از کتاب تهذیب الاحکام و استبصار ا به درخواست اشخاصی، احتمالاً برخی شاگردانش، نگاشته است و آنان از او خواسته‌اند که ضمن نقل آرای فقهای مخالف در هر مسئله، به بیان ادله مورد استناد در فقه امامی و ذکر احادیث مقبول از نظر اهل سنت هم بپردازد. (گرچی،

خلاف نخستین اثر در فقه امامی نیست که به آرای فقهی مذاهب دیگر پرداخته است. پیش از آن، آثار مهمی در زمینه فقه خلاف تألیف شده بود و برخی منابع جامع فقهی به دو گونه تطبیقی به دیدگاه‌های اهل سنت پرداخته بودند، از جمله: تهذیب الشیعه ابن جنید اسکافی، مسائل اهل‌الخلافت شیخ مفید، شرح مسائل الخلاف، الانتصار و مسائل الناصریات هر سه اثر سیدمرتضی و تعلیق خلاف الفقهاء سیدرضی است. با این همه، آثار یاد شده، به‌ویژه آن‌ها که اکنون در دسترس ماست، هم از نظر گستره موضوعی و تفریع فروع و هم به لحاظ شیوه طرح آرای مخالف و روش استدلال با کتاب الخلاف در خور قیاس نیست و تألیف این اثر نقطه عطفی در این زمینه به شمار می‌رود. در خلاف آرا و فروعی مطرح شده که در منابع فقهی پیشین سابقه نداشته است.

از ویژگی‌های الخلاف، جامع بودن آن است، یعنی شمول آن بر همه بخشها و ابواب فقه است. ترتیب این کتاب همان ترتیب کتب فقه است و شیخ در قالب ۸۲ مبحث اصلی فقهی، بیش از ۴۱۰۰ مسئله را گرد آورده است که بسیاری از این مسائل خود شامل فروع فقهی متعدد است؛ بر این اساس، الخلاف در کنار المبسوط جامع‌ترین و گسترده‌ترین منبع متقدم فقهی محسوب می‌شود. شمار مباحث اصلی کتاب، ساختار و باب‌بندی آن نیز در میان مآخذ جامع فقهی تا آن زمان بی‌سابقه بوده و الگوی منابع بعدی قرار گرفته است (ر.ک الخلاف).

الجمل و العقود فی العبادات

این کتاب متنی است بسیار موجز و فشرده که در احکام عبادت‌های پنجگانه: نماز، زکات، روزه، حج و جهاد نوشته شده است. شیخ این کتاب را بر حسب خواهش یکی از دانشوران که از وی بنام شیخ فاضل یاد می‌کند، تألیف کرده است. منظور از نگارش آن، بخاطر سپردن و در یاد ماندن احکام عبادت‌های پنجگانه است از سرآغازی که شیخ برای آن نوشته است دو نکته به دست می‌آید: ۱- تألیف این کتاب، پس از فراغت از تألیف نهاییه بوده که در مقدمه مبسوط نیز بدان تصریح کرده است. ۲- هنگام نوشتن آن، تألیف مبسوط نیز آغاز شده بوده شیخ در مقدمه مبسوط از این کتاب خود بنام جمل العقود یاد می‌کند (تهرانی، ۱۳۷۶: ۵۷)

العدة فی الاصول

شیخ طوسی در پیدایش علم اصول فقه سهم بزرگی دارد؛ که کتاب العده فی الاصول وی این مطلب را روشن می‌کند. به گزارش آقابزرگ تهرانی این اثر در زمان حیات سید مرتضی نگاشته شده است و در بردارنده‌ی دو بخش در اصول دین و اصول فقه است (تهرانی، ۱۳۷۶: ۴۹) اما گرجی معتقد است شیخ تنها صفحات آغازین این اثر، تا صفحه ۳۴، را در زمان حیات سید مرتضی تدوین کرده است؛ چنان‌که در صفحات ۶۸، ۱۲۴، ۱۹۹، و ۲۰۳ از سید به دعای مردگان (قدس الله روحه و رحمه الله) یاد می‌کند (گرجی، ۱۳۸۷: ۳۱ و ۳۲) در حالی که در این اثر صرفاً مسائل اصول فقه مطرح می‌شود و از سر نیاز در مواردی به اصول دین هم اشاره می‌شود. لازم به ذکر است در اواخر عصر صفویه، خلیل قزوینی آن را شرح مفصلی نموده است (عباسی، ۱۳۵۴: ۱۵۱)

مناسک الحج فی مجرد العمل و الادعیة

این کتاب چنان‌که از نامش پیدا است رساله فتوایی شیخ بوده و مشتمل است بر احکام حج و آداب آن و دعاهائی که در این عبادت رسیده است. اگر ترتیب نام‌های تألیفات شیخ در فهرست، مطابق ترتیب تألیف آنها باشد این رساله در زمره آخرین نوشته‌های شیخ است. در معالم العلمای ابن شهر آشوب که به همت مرحوم عباس اقبال به چاپ رسیده، نام این کتاب، نام دو کتاب پنداشته شده یکی مناسک الحج دیگر مجرد العمل و الادعیة (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۳: ۶۴)

المسائل الجنبلائیة فی الفقه

این رساله را شیخ در فهرست یاد می‌کند و می‌گوید که مشتمل بر بیست و چهار پرسش می‌باشد که به همه پاسخ داده است، ولی پرسش‌های آن در چه علمی و در چه موضوعی است؟ چیزی نمی‌گوید. (طوسی، ۱۳۵۰: ۲۳) ابن شهر آشوب در معالم نیز چنین کرده ولی آقای تهرانی در مقدمه چاپ دوم تفسیر تبیان تصریح می‌کند که همه پرسش‌ها از فقه است (تهرانی، ۱۳۷۶: ۵۷)

المسائل الحائریة فی الفقه

کتاب در فقه است و حاوی سیصد مسئله فقهی که شیخ به آنها پاسخ داده است. علامه بزرگ ملامحمد تقی مجلسی آن را از مدارک کتاب بحار الانوار قرار داده و از آن به نام اجوبه المسائل الحاریه یاد می‌کند. آقای تهرانی در مقدمه چاپ دوم تفسیر تبیان می‌گوید: «ابن ادریس در کتاب سرائر از آن به نام الحائریات یاد می‌کند.» (تهرانی، ۱۳۷۶: ۵۷)

مساله فی تحریم الفقاع

شیخ الطائفه در فهرست خود از این کتاب نام برده است، این رساله را شیخ در بیان ناروائی و حرمت نوشیدن آبجو نوشته است. نویسنده محقق ذریعه در مقدمه چاپ دوم تفسیر تبیان سه نسخه از این رساله را نشان می‌دهد: ۱. نسخه کتابخانه عالم بزرگ مرحوم میرزا محمد تهرانی عسکری در سامرا ۲. نسخه کتابخانه حسینیه شوشتری‌ها در نجف. ۳. نسخه کتابخانه راجه فیض آباد در هند. ولی متأسفانه از خصوصیات هیچ یک از این نسخه‌ها سخنی نمی‌گوید (تهرانی، ۱۳۷۶: ۵۶)

الایجاز فی الفرائض

این کتاب در فرائض است چون مقصود شیخ الطائفه در این کتاب ایجاز در بحث و اختصار بوده «ایجاز» نامیده است و طالب تفصیل را به کتاب «النهاییه» احاله داده است، الایجاز از مآخذ بحار الانوار است و قطب‌الدین راوندی این کتاب را شرح کرده است و «انجاز» نامیده است (تهرانی، ۱۳۵۷: ج ۲ ص ۳۶۴). شیخ این کتاب را، از آن نظر ایجاز نام نهاده که مقصودش در نوشتن آن کوتاه‌نویسی بوده و تفصیل مطالب را بکتاب نهاییه حواله داده است. علامه مجلسی، کتاب ایجاز را در زمره مدارک کتاب بحار الانوار قرار داده است و در آغاز جلد اول بدان تصریح می‌کند.

مساله فی وجوب الجزیه علی الیهود و المنتمین الی الجبارة

شیخ در کتاب الفهرستش این رساله را شیخ در زمره آثار خود یاد نکرده ولی علامه عالیقدر ابن شهر آشوب در معالم آن را از تألیفات شیخ می‌شمارد (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۳: ۶۷)

المسائل الحلبیه فی الفقه

این رساله را شیخ در فهرست بطور مطلق یاد کرده است. آقای تهرانی در مقدمه چاپ دوم تفسیر تبیان جمله تقییدی «فی الفقه» را به آن افزوده است (طوسی، ۱۴۰۹: ۱۵)

مساله فی العمل بخبر الواحد و بیان حجیه الاخبار که در بیان حجیت خبر واحد است (تهرانی، ۱۳۷۶: ۵۶)

نتیجه‌گیری

شیخ طوسی بعد از وفات شیخ مرتضی علم الهدی، زعامت و پیشوایی شیعیان را به عهده گرفت و با حمله سلاجقه به بغداد در سال ۴۴۸ ه ق شیخ راهی نجف شد و در مدت ۱۲ سال در نجف، حوزه علمیه آنجا را به عنوان یک مرکز آموزشی و پژوهشی در سطح بالا ارتقا داد. به گونه‌ای که یکی از موثرترین و پر حجم‌ترین فضاهای آموزشی و پژوهشی در علوم دینی است و دانشمندان و محققین بزرگی را به عالم اسلام تحویل داد که هر کدام از آنها تأثیر فراوانی بر جوامع اسلامی و فرهنگ بشری گذاشته‌اند، به حدی که می‌توان گفت نجف یکی از مهمترین مراکز علمی در هزار ساله اخیر، نه تنها در دنیای اسلام که در جهان بوده است. وی همچنین شاگردان بسیاری را تربیت نمود که بزرگ‌ترین آنها شیخ ابوعلی طوسی فرزند شیخ می باشد و دیگر شاگرد او که تأثیر بسیاری در جهان اسلام و عالم تشیع داشت حسن بن بابویه قمی معروف به حسکاء است.

شیخ طوسی در طول زندگی پر برکت خود آثار فراوانی را به رشته تحریر در آورد که مهمترین آنها کتاب المیسوط می باشد. در واقع شیخ با نوشتن آثار خود در تمامی شاخه‌های علوم اسلامی به نوعی اجماع نظر در جهان تشیع - که در دوره او چندان گسترده و قدرتمند نبودند- یاری رساند. اجماع نظری که پایه‌های آن از دوره ائمه علیهاسلام گذاشته شده بود و نتیجه آن تدوین و کاربست نظام حقوقی اسلامی بود. تلاش برای باز نگه داشتن باب اجتهاد، حکم به همکاری با سلطان جائر اما تحت شرایطی خاص از آینده‌نگری و عقلانی‌گری شیخ مایه می‌گرفت؛ و در آخر آنچه شایسته یادآوری است این است که نقش شیخ در میان پیشینیان و پسینیان خود در این باب بیش از همه است و به حق ملقب به شیخ الطائفه گردیده است.

منابع و مأخذ

- ابیطحی، سید حجت (۱۳۶۵) آشنایی با حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ، اصفهان، نشر حوزه علمیه.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۶۸) الکامل فی التاریخ، ترجمه علی هاشمی و ابوالقاسم حالت، بیروت، دار صادر.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبد الله بن علی (۱۴۱۲ ق) المنتظم فی التاریخ الملوک والامم، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب (۱۳۵۳) معالم العلماء، مصحح عباس اقبال، تهران.
- ابن طاووس، غیاث الدین عبدالکریم (۱۳۶۸ ق) فرحه العزی فی التعیین قبر امیرالمومنینعلی ابن ابیطالب (ع) فی النجف، نجف، المطبعه الحیدریه.
- بحر العلوم، محمد (۱۳۸۶) الدراره و تاریخها فی النجف، تحقیق: جعفر خلیلی، بی جا
- تهرانی، آقا بزرگ (۱۳۷۶) زندگی نامه و آثار شیخ طوسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حنبلی، ابی الفلاح عبدالحی بن العماد (۱۳۹۹) شذرات الذهب من اخبار من ذهب، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ ق) موسوعه طبقات الفقهاء، قم، موسسه الامام الصادق.
- صدر، سیدرضا (بی تا) نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی، در یادنامه ی شیخ طوسی، ج ۳، صفحات ۲۸۲-۲۸۵
- طارمی، حسن (بی تا) تاریخ فقه و فقهها، تهران، پیام نور.
- طباطبایی، حسین (۱۳۶۸) مقدمه ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- طوسی، محمد حسین (۱۳۵۰ ش) الفهرست، به کوشش محمد رامیار، مشهد، مرکز تحقیقات و مطالعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد.
- ----- (۱۳۷۶) العده فی اصول الفقه، تحقیق محمد رضا انصاری، قم.
- ----- (۱۳۸۷ ق) المبسوط، تحقیق محمد تقی کشفی، ج ۲، تهران، المکتب الجعفریه.
- ----- (۱۴۰۰ ق) الاقتصاد الهادی الی الطریق الارشاد، الطبعة الاولى، تهران، مکتب جامع چهلستون.

- -----(۱۴۰۷) الخلاف فی الحکام، چاپ محمدمهدی نجف، جواد شهرستانی و علی خراسانی کاظمی، قم.
- -----(۱۴۰۹) التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح احمد قصیرعاملی، مقدمه آقا بزرگ تهرانی، نشر اسلامی.
- -----(بی تا) النهایه فی المجرّد الفقه و الفتاوی، قم، انتشارات قدس.
- -----(بی تا) الغیبه، ج ۱، تهران، مکتب النینوی الحدیثه.
- عباسی، فیض (۱۳۵۴) شیخ الطائفه ابوجعفر الطوسی و نقش وی در علوم اسلامی، در یادنامه شیخ طوسی، ج ۳، به اهتمام محمد واعظ زاده خراسانی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸ ش) النقص فی البعض فضایح الروافض، به اهتمام محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی.
- قمی، عباس (۱۳۵۸) الکنی واللقاب، بی جا، نشر صیدا.
- -----(۱۳۶۳ ش)، هدایه الاحباب، ج دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- -----(۱۳۶۹ ش) تحفه الاحباب فی النوادر آثار الاصحاب، تصحیح محمد آخوندی، تهران، دارالکتاب اسلامی.
- کاظمی، شیخ عبدالنبی (۱۳۱۷) تکلّمه الرجال، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، نجف، مطبعه الاداب.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸) مستدرک الوسائل، تهران، انتشارات اسلامی.
- محقق حلی، نجم الدین (۱۴۱۷) نهاییه و نکت ها (بی جا)
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (بی تا) الرجال، تحقیق سید موسی شبیری، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- عاملی، شیخ حسن بن زید الدین (شہید ثانی) (۱۳۶۲) معالم الدین و الملاذ المجتهدین، اهتمام دکتر مهدی محقق، تهران، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گین.